

سخن سردبیر

مسئله آب

موضوع حل مساله آب کشور سالیان سال است که روی میز است، اما تاکنون نه تنها دستیابی به راه حل آن امکان‌پذیر نشده، بلکه نزدیک شدن به یک معبر مشترک با مفروضات درست، واقعی و شفاف نیز تا حدی سخت به نظر می‌رسد.
با این رویکرد، به‌تازگی مقاله‌ای جهت روشن کردن فضای حاکم بر این موضوع به قلم انجمن پسته ایران نگاشته شد. این مقاله در مورخ ۱۲ دی ماه ۱۴۰۰ در روزنامه دنیای اقتصاد به شماره ۵۳۵۵ نیز با اندکی تلخیص و تصرف به چاپ رسیده است.
امید آن می‌رود که دستیابی به ادبیاتی مشترک برپایه علم باوری و پایبندی به اصول اخلاقی بتواند حرکت اولیه در این مسیر را امکان پذیر سازد.
نسخه کامل این مقاله را در ادامه بخوانید.

گستره عظیمی از جغرافیایِ ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک واقع شده و همواره کمبود آب با ذات این اقلیم عجین بوده‌است؛ از این‌رو، تمدن فلات مرکزی ایران تنها بر پایه استحصال آب کمیاب از سفره‌های زیرزمینی تکوین یافته‌است. کم‌آبی این سرزمین در طول تاریخ، در زمانی که هنوز رودخانه‌ها و قنات‌ها زنده بودند، تحت تأثیر خشکسالی‌های معمول و دوره‌ای تشدید می‌شد. از این‌رو، همیشه نوسانات طبیعت بر منابع آبی این سرزمین حاکم بوده و ایرانیان خود را با آن تطبیق می‌دادند.

اما طی چند دهه اخیر، سرزمین تفتیده ایران اسیر کابوس مرگ تدریجی منابع آبی خود و تحمل سایه شوم ورشکستگی آبی در اثر حکمرانی ضعیف بوده‌است. در این بین، تکنولوژی حفر چاه عمیق بدون تغییر نظام‌های بهره‌برداری قبلی، تنها به مثابه آلت قتاله‌ای بوده که قلع و قمع این ثروت فرانسلی را موجب شده‌است. امروز شاهد درو کردن محصولی هستیم که حکمرانی آب برای همهٔ ایران کاشته است. از این‌رو، نشاندن اقلیم و خشکسالی در جایگاه متهم ردیف اول به اتهام خشکاندن رگ‌های نازک و نحیف سفره‌های آب‌های زیرزمینی، اتهام ناروایی است که شاید گفتن آن فقط از یک فرد ناآگاه و یا مُغرض برآید. آنچه واضح است، راهبرد حل مسئله آب با مفروضات اشتباه راه به جایی نخواهد برد و چه بسا ایران را در باتلاق معضلاتی بسیار پیچیده‌تر و بزرگ‌تر فرو ببرد.

در حل مسئله آب ایران، مرتباً این گفته به گوش می‌رسد که نباید به دنبال یافتن مقصر بود! به‌نظر می‌رسد، افرادی که این پیش فرض را لحاظ می‌کنند، عوامل بروز مسئله آب را در حد سهل‌انگاری و قصور، ساده‌سازی کرده‌اند. این در حالی است که در ادبیات حقوقی، انجام دادن و عدم انجام کار، هر دو می‌تواند به عنوان ارتکابِ جُرم قلمداد شوند. اینکه به مدت مدیدی وظایف حفاظتی یک نهاد مسئول انجام نشود، دست روی دست گذاشته شود تا دمار از روزگار همه درآورده شود، نشانه عدم وقوع جُرم نیست؛ بلکه برعکس

جُرم اتفاق افتاده‌است. این بی‌عملی به این می‌ماند که بیان شود: پرستار کپسول اکسیژن یک بیمار کرونایی با سطح اکسیژن زیر ۸۰ را وصل نکرده و بیمار مُرده است! البته که شخص پرستار کاری انجام نداده، اما آیا نتیجه مسئولیت‌ناپذیری و کاهلی‌اش در دادگاه پذیرفتنی است؟! علاوه براین، حکمرانِ آب، طی سال‌های اخیر، تنها به اتخاذ موضع بی‌تصمیمی اکتفا نکرده، بلکه خطاهای فاحشی نیز مرتکب شده‌است. هم اکنون نیز در حل مسئله آب چنین رویه‌ای در جریان است؛ جُرم‌های پیشین در حال تکرار و البته جُرم‌های جدیدی در حال وقوع هستند.

باید توجه داشت که با نادیده گرفتن این موارد، بخش بزرگی از راه‌حل را نیز نمی‌توان پویید. چرا که به‌نظر نمی‌رسد حل این مسئله تنها با تکیه بر روش‌های تکنیک محور و استفاده از تکنولوژی امکان‌پذیر باشد که اگر می‌بود حتماً با سدسازی و انتقال آب حل شده‌بود! بنابراین، بخش بزرگی از قدم‌های اولیه که حل مسئله را ممکن می‌کند، درک اشتباهات و پذیرفتن وقوع جُرم است.

در ادامه، به بعضی از کارهایی که در قبال منابع آبی نمی‌بایست صورت می‌گرفت یا در حال حاضر نباید انجام بشود، اشاره شده‌است:

۱

پایمال کردن حقوق مالکیت خصوصی

حکمرانی آب با چنگ زدن بر ریسمان پوسیده تفکرات کمونیستی، حق مالکیت خصوصی بهره‌برداران پیشین را مورد تجاوز قرار داده و در دشت‌های ممنوعه پروانه بهره‌برداری صادر کرده‌است. امروز، مجدداً به سه شکل این جُرم در حال وقوع است؛ کاهش آمرانه لیتراژ پروانه‌های بهره‌برداری؛ ممانعت از مبادله آزادانه آب درون حوضه‌ای بین بهره‌برداران مجاز؛ مصادره آب با حیله و زورگویی.

۲

کم کاری در حراست و حفاظت از حقوق بهره‌برداران مجاز

برداشت آب از چاه‌های غیرمجاز، اضافه برداشت بیش از پروانه‌های بهره‌برداری و حفر جدید چاه‌های مجاز در مناطق ممنوعه به بهانه‌های مختلف، همگی نشان از عدم انجام وظیفه حفاظت و حراست از اموال یک ملت را دارند. درحالی‌که برقراری امنیت مالی و جانی یکی از ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین وظایف دولت‌ها در سراسر دنیاست.

۳

تخصیص آب به صنایعی که هیچ حقابه‌ای نداشته‌اند

در تاریخ بهره‌برداری از منابع آبی در ایران، صنایع جزو مالکان نوظهوری جا زده شده‌اند که خواسته‌های آنها نسبت به حقوق کشاورزان اولویت یافته‌است. این صنایع حجم عظیمی از یارانه و رانت دریافت می‌کنند و در سایه اقتصاد فلج کشور، توهم سودآوری را به دست‌اندرکاران القا می‌کنند. همچنین، از محل این سودهای موهومی، طرح‌های عظیم انتقال آب، بدون توجیه اقتصادی واقعی نیز شکل می‌گیرند. اعطای رانت و خرج کردن پول از جیب مردم در جهت برآورده‌ساختن طمع گروه‌هایی قلیل که یکی از آنها درپی کسب ثروت از طریق رانت‌خواری و دیگری به‌دنبال تثبیت و افزایش قدرت سیاسی است، اگر جُرم نیست، اسمش چیست؟!

۴

توهم وجود راه‌حل‌های آسان برای مسائل پیچیده

یکی از آفاتی که در دهه‌های اخیر به جان حکمرانی مملکت افتاده، بروز توهم خام و بچه‌گانه‌ای است که باور دارد با خلق و اجرای یک راه حل ساده توسط یک مدیر نابغه، مسائل پیچیده‌ای نظیر ابرچالش آب کشور قابل حل است. مدیرانی که توهم نبوغ آنها را فرامی‌گیرد، تصور می‌کنند علت ناکامی مدیران قبلی، کمبود نبوغ و بی‌عرضگی آنان بوده‌است! غافل از اینکه اصولاً راه‌حل مسائل پیچیدهٔ اجتماعی و اقتصادی از درون اتاق‌های فکرِ دربسته و مغزهای نابغه زاییده نخواهدشد. بلکه حل مسائل پیچیده، صرفاً از طریق مشارکت و اقناع اجتماع و استفاده از مکانیزم‌های خودتنظیم اقتصاد بازار آزاد حاصل خواهدشد. به‌طورکلی، درب‌های بسته و گوش‌های ناشنوا از عوامل ایجاد شکاف بی‌سابقه و عمیق بین خدمت‌گذاران نخبه و عامه جامعه هستند. علاوه براین، رفتار و گفتار نمایندگان انتخابی مردم در قوای چندگانه حاکی از آن است که ایشان دچار توهم مالکیت بر دارایی‌های سرزمینی، امانت‌های فرانسلی و کل منابع طبیعی شده‌اند! اگر اینچنین باشد، تجربه تاریخی نشان داده که این رویکرد و رفتار ضمن اینکه مصداق خیانت در امانت است و جُرم به‌حساب می‌آید، نتیجه‌ای جز استهلاک و فروپاشی نیز درپی ندارد.

در پایان باید گفت، اگر حکمرانی دولتی واهمه و تشویش دارد که مبادا با گوش فرا دادن به خواسته‌های مردم و گفت‌وگو با آنها از موضع همتراز، شکوه و جلال خود را از دست بدهد و با این‌کار سیل خواسته‌ها روان شود، باید بداند که اصلاً اینچنین نیست! قطعاً پذیرفتن اشتباهات، پرهیز از موارد اشاره شده و تمکین به واقعیات علمی و اصول اخلاقی، جزو نشانه‌های اقتدار دولت‌هاست که می‌تواند نشاط و امیدواری جامعه را به‌شدت افزایش دهد. در شماره‌های پیش رو در خصوص بایدها و نبایدهای حل مسئله آب بیشتر کنکاش خواهیم کرد.